روزنامه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی

همشهری

یکشنبه ۳۰ مرداد ۱۴۰۱ ■ سال سی‌ام ■ شماره ۸۵۷۱

تولید؛ دانش بنیان، اشتغال آفرین

■ حضرت امیر المؤمنین علی ع:
کسی که عیب‌های مردم را جست‌وجو کند باید از خود آغاز کند.

■ اذان ظهر: ۱۳:۰۸ ■ غروب آفتاب: ۱۹:۴۷
■ اذان مغرب: ۲۰:۰۶ ■ نیمه‌شب‌شرعی: ۰۰:۲۳
■ اذان صبح: ۴:۵۸ ■ طلوع آفتاب: ۶:۲۸

صفحه آخر

آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند
آیا بُوَد که گوشه چشمی به ما کنند
حافظ

■ صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
■ مدیرمسئول: عبدا... گنجی
■ سردبیر: دانیال معمار

■ پذیرش آگهی: ■ تلفن: ۸۴۳۲۱۰۰۰

■ توزیع و اشتراک: موسسه نشرگستر امروز نوین ■ تلفن: ۶۱۹۳۳۰۰۰

■ چاپ: همشهری ■ تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

■ دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سیدکمال قریشی، شماره ۱۴
■ کدپستی ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ ■ تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۵۴۴۶
■ تلفن: ۲۳۰۲۳۰۰۰، نمابر: ۲۲۰۴۶۰۶۷

■ همشهری: www.hamshahrionline.ir
■ سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

خرده‌خوشی‌های شهرنشین

سحر سلخی

از آن روزها که ناگهان بیماری مرموز کرونا پیدا شد آدم‌ها را مجبور به خانه‌نشینی و پوشاندن اجباری مجراهای تنفس کرد زمان زیادی نگذشته و حالا دوباره رسانه‌ها خبر از بالارفتن مجدد آمار ابتلا به کرونا می‌دهند و موج جدید از سویه نمی‌دانم چندم در راه است!

روزهای آغاز و اوج ویروس را به یاد می‌آورم، به‌گمانم مصادف با چهارشنبه‌سوری ما بود که همزمان با پخش تصاویر ماشین‌های زره‌پوش حمل اجساد در ایتالیا فیلم‌هایی از شهروندان‌شان هم دست به‌دست می‌شد که در بالکن خانه‌ها آوازمی‌خواندند. ترس از ابتلا به ویروس ناگهان ارتباط میان آدم‌ها را قطع و قرنطینه سدی بین خانه و خیابان شده بود، آن آوازخوانی و فریادها واکنشی بود به میل تعامل با جهان بیرون اما بدون ترک محل امن محصور و با حضور در فضایی بینابین که پیوند میان خانه و خیابان بود؛ یعنی بالکن‌ها و تراس‌ها. اتفاقی که در شهرهای ما افتاد چه بود؟ فقدان فراگیر همین فضاهای بینابین باعث ایجاد حس حبس شده بود! بالکنی وجود نداشت! حیاط، ایوان، مهتابی؟ خیر همه سال‌ها پیش از دست رفته بود، باید به پنجره‌های تنگ رو به پنجره تنگ خانه روبه‌رویی قناعت می‌کردی!

«آرتور پوپ» ایران‌شناس بنام و فقید گفته: «در گوشه ذهن هر ایرانی باغی نهفته است.»

روزگاری هر ایرانی با هر بضاعتی بالاخره گوشه‌ای از باغ بهشت را در خانه‌اش داشت، باغِ مردمانِ شهر، حیاط خانه‌هاشان بود. اما زمانهَ تغییر کرد، شهرها بزرگ، جمعیت زیاد وفنون و مصالح جدید سبب شد تا استخوان‌های شهر قد بکشد و با اطمینان بتوان خانه‌ها را روی هم چید. اگرچه ایوان‌های بلند و حیاط‌های تک بنا جایشان را به آپارتمان‌های چندطبقه داد اما هنوز اوضاع وخیم نشده بود، خانه‌ها هرچند یکی روی زمین و دو تا روی هوا بود اما آن طبقات دوم و سوم هم بهره کافی از چشم‌انداز و تنفس در جایی شبیه به حیاط اما کوچک‌تر و در ارتفاع داشتند، همین بالکن‌ها و تراس‌ها. بعد از مدتی با بزرگ‌تر شدن اعداد جمعیت شهرها، کمبود مسکن معضل شد و زمین گران، سوداگران شهر چشم طمع به بالکن‌ها و تراس‌ها دوختند اگرچه مساحت آنچنانی نداشتند. در این شرایط اگرچه تعریف بالکن با تراس، تفاوت‌هایی داشت اما تفاوت در تعریف خصوصیات این فضاهای میانی از این قبیل که بالکن سقف دارد و مساحت آن با اینکه فضای نیم‌باز است به‌طور کامل جزئی از مساحت واحد حساب می‌شود و مهتابی یا تراس که بهارخواب هم گفته می‌شود سقف ندارد و مساحتش جزئی از مشاعات به‌شمار می‌رود و از این دست، تغییری در سرنوشت وجودشان در خانه‌ها نداشت، هردو قربانی طمع «سازندگان» شهر شدند. ما ناباورانه حبس در خانه‌های خودمان را به‌خاطر دورماندن از ویروس فراگیر تجربه کرده‌ایم و دیده‌ایم با وجود «پیشرفت» علم همچنان خانه امن‌ترین حفاظ است و باید طوری باشد که بتوان در آن دوام آورد. اگر دوباره بیماری جهان‌گیر جدیدی یا سویه‌های جهنده همین یکی دوبارَه پیدا شود چه کنیم؟ چرا به این فکر نمی‌کنیم که شاید وقت آن باشد که همین ما آدم‌های شهرنشین به‌عنوان مرجع تقاضا از سازندگان و طراحان ساختمان‌ها بخواهیم در طراحی و ساخت خانه بازنگری داشته باشند؟ از آنها خانه‌های باصفاتر با نور بیشتر و بالکن و بهارخواب بخواهیم! خانه‌هایی که به وقت لزوم بتوان در آنها تاب آورد و ماند.

معیارهای کاشانه

شیدا اعتماد

خانه تنها سهم ما از جهان است. فرصت خلق جهان دلخواه است در واقع. اما خیلی وقت‌ها عوامل دیگری در ساخت این جهان دلخواه دخیل هستند و نمی‌شود که «خانه صددرصد دلخواه» را داشت. هر کسی برای تعریفش از خانه دلخواه، معیارهایی دارد، برای همین نمی‌توان یک مفهوم کلی به اسم خانه دلخواه را برای همه تبیین کرد. ولی می‌شود فاکتورهای مشترک را شناسایی کرد.

این فاکتورهای مشترک را در چند دسته می‌توان بررسی کرد. به‌نظر من با تقریب خوبی می‌شود گفت که بیشتر انسان‌ها خانه روشن، مجاورت با فضای سبز و داشتن فضای نیمه باز مثل تراس در یک خانه را دوست دارند. وجود آشپزخانه با اندازه مناسب در محل مناسب هم یک فاکتور مهم است. نحوه قرارگیری فضاهای خانه و جدا کردن فضاهای خصوصی و عمومی از هم مهم است. در واقع خانه‌ای که بشود در گوشه‌ای از دید مهمان‌ها پنهان ماند، برای خیلی‌ها خوشایند است تا خانه‌ای که همه‌جایش در دسترس و دید همه قرار دارد.

موقع خرید یا اجاره خانه توجه به این فاکتورها می‌تواند تجربه خوشایندتری از خانه در اختیار ساکنان قرار بدهد. خوب است که ورودی خانه‌ها در یک راهرو به هم نزدیک نباشد.

بهترین نور و منظر را باید اتاق پذیرایی داشته باشد. برای اینکه این فضای مشترک، در خانه‌های متوسط شهری جایی است که بیشترین زمان اعضای خانواده در آن سپری می‌شود. مهم است که سهمش از نور و منظر بیشتر از بقیه خانه باشد.

نحوه ارتباط آشپزخانه و پذیرایی هم مهم است. این روزها در برخی آپارتمان‌ها، آشپزخانه‌های نیمه پوشیده جایگزین آشپزخانه‌های مدرن باز قبلی می‌شوند. خیلی از ساکنان دوست دارند که بخش‌هایی از آشپزخانه دور از دسترس و دید میهمان‌ها باشد. نحوه ارتباط تراس با سایر فضاها هم مهم است. تراسی که در انتهای یکی از اتاق‌های خواب قرار می‌گیرد به اندازه تراسی که در ارتباط با آشپزخانه یا پذیرایی است مفید و کارآمد نیست. با تمام محدودیت‌هایی که در انتخاب خانه وجود دارد توجه به این نکات کوچک می‌تواند تجربه خوشایندتری در همزیستی با یک خانه برای ساکنان داشته باشد. به باور من خانه یک کالبد بی‌جان نیست و بر نحوه زندگی ساکنان مؤثر است. کسی چه می‌داند شاید ساکنان هم بر خانه مؤثر باشند. خانه، این جهان کوچک، زنده و مدام متغیر است.

زندگی پدیا

افراط در گفت‌وگو و معجزه سکوت

هستی پودفروش

ژان بودریار متفکری است که می‌گوید ما در دوره پساافراط به‌سر می‌بریم. افراط در آزادی، افراط در تولید، افراط در مصرف، افراط در تخصصی‌شدن و حتی افراط در گفت‌وگو. گمانمان این است که همه‌چیز با گفت‌وگوهای بی‌استعاره و تمثیل حل می‌شود. کسی دیگر با شعر و تمثیل میانه‌ای ندارد و اینجاست که ادبیات به‌معنای گفت‌وگوی کلاسیک آن رنگ می‌بازد. دیگر مادرها و مادر بزرگ‌ها با قصه‌های عامیانه پند و اندرزهایشان را تقدیم نسل‌های بعد نمی‌کنند. پدران و مادران صبح تا شب در حال نصیحت‌های بی‌پرده می‌شوند و کلافگی این صراحت ما را با کودکانی مواجه می‌کند که نسبت به هر گفت‌وگوی مثبتی مقاومت دارند. آشفتگی این گفت‌وگو زنجیره‌ای است که تکرار می‌شود.

آنقدر در گفت‌وگوهایمان غرق شده‌ایم که لحظه‌ای از گفت‌وگوهای ذهنی‌مان نیز تهی نمی‌شویم و سر به بیابان می‌گذاریم تا با مدیتیشن و مراقبه شاید ثانیه‌ای خود را از شر گفت‌وگو خلاص کنیم.

افراط در گفت‌وگو آنقدر عمیق شده که مجبور می‌شویم به مشاوران پول بدهیم تا گوش به حرف‌های ما بسپارند. به انواع نشست‌ها و سمینارها رهسپار می‌شویم تا گفت‌وگو کردن را بیاموزیم، زیرا باور داریم که راه‌حل معضلات رابطه، گفت‌وگوست.

در دنیای سیاست نیز، میز گفت‌وگو شکل می‌دهیم و آن را رشته‌ای تحصیلی و دانشگاهی می‌کنیم. اینجاست که در دنیایی که صدا به صدا نمی‌رسد، سکوت نکوهیده می‌شود. دیگر کسی به سکوت اعتقاد ندارد و اینجاست که فلسفه سکوتی که نیاکان ما با آن عارف و شاعر می‌شدند، به‌دست فراموشی سپرده می‌شود. کمتر کسی در چالش روابطش سکوت می‌کند تا مفهوم درست آن چالش را درک کند تا چاره‌ای بیابد که الزامی به گفت‌وگوهای بی‌پروا و خشونت‌های کلامی نباشد.

اگر سکوتی رخ دهد، فرد ساکت متهم به ندانستن، بی‌حوصلگی یا قهر می‌شود، زیرا از نتایج شگفت‌انگیز و متحول کننده سکوت بی‌خبریم. به سکوت اطراف‌مان گوش نمی‌دهیم و بی‌خبریم که سکوت می‌تواند هیچ معنایی نداشته باشد و سرشار از گفت‌وگوها نباشد. ارلینگ کاگه در کتاب در ستایش سکوت می‌گوید: «در سکوت، ذهن شما و آنچه در درون‌تان می‌گذرد، از آنچه در آسمان می‌بینید و در جهان بیرونی شما جریان دارد، بزرگ‌تر است.» این یعنی در سکوت می‌توانیم جامع‌تر به همه‌چیز بنگریم و به جای جست‌وجوی کلمات برای بیان آنچه در لحظه گمان می‌کنیم، ژرف‌تر به‌خود ماجرا بنگریم.

درنهایت بودریار قصد دارد بگوید در دوره پساافراط در گفت‌وگو، سکوت را فراموش کرده‌ایم.

فریدون مشیری نیز با بودریار هم‌عقیده است و می‌گوید:

من سکوت خویش را گم کرده‌ام!
لاجرم در این هیاهو گم شدم
اما ما معتقدیم در سکوت حقمان پایمال می‌شود پس دهان باز می‌کنیم.

گرینویچ

خواب خلبان‌های اتیوپی

خارطوم: ۲ خلبان یک پرواز مسافربری متعلق به خطوط هواپیمایی اتیوپی روز دوشنبه گذشته پیش از فرود در آدیس‌آبابا به خواب فرو رفتند. بنا به گزارش‌ها پرواز شماره ۳۴۳ این شرکت هواپیمایی، خارطوم، پایتخت سودان را به مقصد آدیس‌آبابا ترک کرده بود. ۲ خلبان این پرواز درحالی که هواپیما در ارتفاع ۱۱ هزار متری از سطح زمین به آسمان پایتخت اتیوپی رسیده بود خواب‌شان برد. به گزارش یورونیوز، برج مراقبت پرواز فرودگاه آدیس‌آبابا درحالی که شاهد حرکت هواپیما بر فراز شهر بدون کم کردن ارتفاع بود بارها تلاش کرد تا با خلبان‌های این پرواز تماس بگیرد. تصاویر رادارى ثبت شده نشان می‌دهد که این هواپیما یک‌بار در ارتفاع ۱۱ هزار متری و بدون کم کردن ارتفاع از روی باند فرودگاه آدیس‌آبابا عبور کرده بود. گفته می‌شود که هر دو خلبان از «خستگی» رنج می‌بردند.

یک ماهواره هک شد

لاس‌وگاس: هکرها یک ماهواره از کار افتاده را ربودند و از آن برای پخش فیلم استفاده کردند. گروه هکری «شدیتل» (Shadytel) این کار را آخر هفته در لاس‌وگاس، در کنفرانس هک «دف کان» (Def Con) ارائه کردند. این گروه از تجهیزاتی ۳۰۰ دلاری به نام «هک آراف» (Hack RF) برای اتصال به ماهواره کانادایی «آنیک اف ۱ آر» (Anik F1R) استفاده کردند که کنترل آن تا پیش از اینکه از رده خارج شود، بر عهده شرکت «تله‌ست کانادا» (Telesat Canada) بود. هکرها پس از دسترسی به این تجهیزات رهاشده، تصمیم گرفتند با این ماهواره که هم‌اکنون در مدار ثابت زمین در فاصله ۳۵ هزار و ۷۸۶ کیلومتری (۲۲ هزار و ۲۳۶ مایلی) بالاتر از زمین قرار دارد، «تفریح کنند».

باشگاه نویسندگان

یکشنبه

ویلچر، فقط همین

فاطمه عباسی
روزنامه‌نگار

زندگی روی صندلی چرخ دار، خیابان‌ها و ساختمان‌های مناسب‌سازی نشده، تلاش برای پیدا کردن شغل و امرار معاش و هزینه‌های سنگین درمان همگی از مشکلات اساسی افراد دارای معلولیت است، اما این فقط بخشی از ماجرا است. معلولانی که به‌خاطر توان مالی کم نمی‌توانند ویلچر تهیه کنند، عملا منزوی می‌شوند و از بودن در اجتماع و از همه مهم‌تر پیدا کردن یک شغل محروم می‌مانند.

چند سالی است که برخی از خیریه‌ها برای کمک به این افراد، از مردم می‌خواهند که «در» بطری‌های پلاستیکی را دور نیندازند و آنها را تحویل این خیریه‌ها بدهند تا بشود با پولش برای افراد دارای معلولیت ویلچر بخرند. قاعدتا کمک‌های مردمی چاره‌ساز است اما باز هم نمی‌تواند تعداد زیادی از این افراد را پوشش دهد، چرا که تعداد تقاضا چندین برابر عرضه است. آمار دقیقی از تعداد معلولان در کشور وجود ندارد، اما براساس آنچه معاون توانبخشی سازمان بهزیستی ۳سال پیش مطرح کرده، تقریبا ۱۰درصد از جمعیت کشور دچار معلولیت هستند. ضمن اینکه معلولیت فقط به‌دلیل مشکلات مادرزادی ایجاد نمی‌شود و با توجه به آمار تصادفات در کشور سالانه تعداد زیادی از افراد دچار معلولیت می‌شوند و این آمار ممکن است هر سال تغییر کرده و افزایش پیدا کند. حالا خیلی از این افراد یا پولی برای تهیه ویلچر ندارند، یا ویلچری که استفاده می‌کنند فرسوده شده و یا از ویلچرهایی استفاده می‌کنند که استاندارد نیست و برایشان مشکلات جانبی ایجاد می‌کند. ویلچرهای برقی هم قیمتی گزاف دارند و خیلی از افراد دارای معلولیت از عهده تهیه آن برنمی‌آیند. این در حالی است که در بسیاری از کشورها، افرادی که دچار معلولیت هستند از ویلچرهای با کیفیت استفاده می‌کنند و حتی ویلچر زاپاس دارند برای روز مبادا. در کشور ما اما افزایش روز افزون قیمت وسایل توانبخشی و مشکلات اقتصادی جامعه معلولان را آسیب‌پذیر کرده و بسیاری از آنها به واسطه نداشتن توان مالی در تامین ویلچر و عصا و اقلام دیگر نمی‌توانند در اجتماع حاضر شوند و همین انزوا زمینه‌ساز بروز افسردگی و آسیب‌های اجتماعی دیگر می‌شود. از طرفی این آسیب تنها معلول را تحت‌تأثیر قرار نمی‌دهد و خانواده او هم به جمع آسیب‌دیدگان اجتماعی اضافه می‌شوند و اینها دومینوی مشکلاتی است که همه ارکان جامعه را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. پس رسیدگی به وضعیت معلولان، مسئولیتی اجتماعی است و کاهش بودجه و حمایت نکردن در این حوزه می‌تواند آسیب‌های زیادی برای جامعه داشته باشد. حرف از خواسته‌ای دور از دسترس نیست، حرف از این است که تمام افراد نیازمند به ویلچر باید به تنها چیزی که فکر نکنند تهیه و در اختیار داشتن ویلچر مناسب و مجهز باشد. همین...

تقویم/زادروز

جناب مستطاب

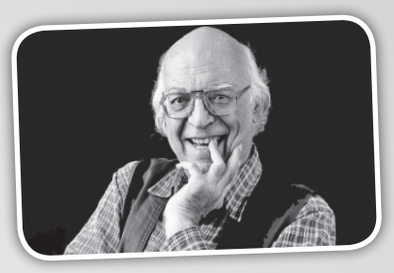

درخت پر بار و برگ زندگی نجف دریابندری، استعاره‌ای بود از لذت ترجمه، نوشتن و اندیشیدن. دریابندری بی‌گمان یکی از مهم‌ترین مترجمان ایرانی آثار ادبی جهان بود، با آن خنده‌های بلند و طبع شوخ و شنگش که سرشار از متانت و جدیت بود. وقتی آدم در ۱۸سالگی به سراغ ویلیام فاکنر برود و «گل سرخی برای امیلی» را ترجمه کند و در ۲۳سالگی دست به برگردان «وداع با اسلحه» ارنست همینگوی بزند، معلوم است که چه زندگی عجیب و غریبی دارد. دریابندری چند صباحی پس از کودتای سال ۳۲به‌دلیل کار سیاسی به زندان افتاد. در زندان یکی از معروف‌ترین کارهایش یعنی «تاریخ فلسفه» برتراند راسل را ترجمه کرد و یادداشت‌های اولیه کتاب «مستطاب آشپزی» را نوشت. او در عین حال مترجم رمان‌های بزرگ دیگری هم بود. و دیگر اینکه ارادت دریابندری به نقاشی، کمتر از ادبیات نبود. او سال‌ها پیش گفته بود: «مینیاتور، اساسا تذهیب کتاب است، نه نقاشی. ما وقتی با مفهوم نقاشی آشنا شده‌ایم و خواسته‌ایم روی دیوار یا روی پرده نقاشی کنیم، برای سرمشق این کار رفته‌ایم سراغ همان تذهیب‌های لای کتاب، که همه‌اش ریزه کاری است و نرفته‌ایم سراغ قالیچه یا گلیم روستایی خودمان که پر از شکل‌ها و رنگ‌های سرمست کننده است. شاید به این علت که این فرش زیر پایمان بوده و لازم ندیده‌ایم به دیوار هم منتقل بشود.» دریابندری یک خصلت بارز هم داشت؛ رک‌گویی و صراحت لهجه. انتقاد یا تعریف او از رمان‌های معروف تبدیل به خاطره در عالم فرهنگ شده است. مثل رمان «شوهر آهو خانم» اثر محمدعلی افغانی که آن را از لحاظ ادبی، کاری ستودنی می‌دانست و گفته بود خود او این رمان را در دهه ۴۰ مطرح کرده است. سلیقه ادبی و نثر او، مثل بوی غذاهایی که از لای کتاب مستطاب آشپزی بیرون می‌آید، از فرسنگ‌ها قابل تشخیص است.

آگهی مزایده عمومی املاک

نوبت دوم

شرکت ونک پارک (سهامی خاص)

شرکت ونک پارک (سهامی خاص) در نظر دارد؛ تعداد ۹ واحد آپارتمان مسکونی واقع در مازندران-محمود آباد و یک قطعه زمین واقع در تهران-قلهک را با مشخصات زیر از طریق مزایده به فروش برساند، لذا از کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط جهت شرکت در مزایده دعوت می‌شود از تاریخ نشر این آگهی حداکثر تا **ساعت ۱۶ عصر روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۶/۰۷** جهت دریافت و تسلیم اسناد مزایده به دفتر مرکزی شرکت ونک پارک به نشانی: تهران، شهرک قدس (غرب)، میدان صنعت، بلوار خوردین، بالاتر از چهار راه هرمزان، شرکت ونک پارک، واحد فروش مراجعه نمایند.

- هزینه دریافت اسناد به مبلغ ۱،۰۰۰،۰۰۰ ریال می باشد.
- پیشنهادات واصله روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۶/۰۸ راس ساعت ۱۴:۰۰ در محل دفتر مرکزی شرکت ونک پارک بازگشایی می‌گردد.
- زمان بازدید همه روزه از ساعت ۹ الی ۱۶ می‌باشد.
- مبلغ سپرده شرکت در مزایده هر یک از موارد ذیل به میزان ۵٪ از قیمت کل پایه می‌باشد.
- لازم به ذکر است شرکت در رد یا قبول پیشنهادات بدون قید و شرط مخیر است.

ردیف	نام پروژه	کاربری	پلاک ثبتی	مساحت به مترمربع	قیمت پایه هرمترمربع (ریال)	قیمت کل پایه (ریال)	مبلغ ۵٪سپرده (ریال)	آدرس	شرایط پرداخت
۱	قلهک	باغ – مسکونی	۲۵۹۲۸ و ۲۵۹۲۶	۲۱۴۱،۷	۸۵۸،۰۰۰،۰۰۰	۱،۸۳۷،۵۷۸،۶۰۰،۰۰۰	۹۱،۸۷۸،۹۳۰،۰۰۰	تهران–خیابان شریعتی–خیابان یخچال–خیابان فکوریان–مقابل کوچه بوربور–پلاک۸	۵۰٪ نقد، ۴۰٪ اقساط ۱۲ماهه ۵٪ زمان تحویل ۵٪ تنظیم سند

ردیف	نام پروژه	کاربری	شماره ثبتی	طبقه	موقعیت	مساحت به مترمربع	قیمت پایه هرمترمربع (ریال)	قیمت کل پایه (ریال)	مبلغ ۵٪سپرده (ریال)	آدرس	شرایط پرداخت
۱	ساحل۱۳	مسکونی	۸۰۸	۳	شمال شرق	۱۸۱	۶۰۰،۶۰۰،۰۰۰	۱۰۸،۷۰۸،۶۰۰،۰۰۰	۵،۴۳۵،۴۳۰،۰۰۰	مازندران محمودآباد بلوار معلم ساحل ۱۳	۵۰٪ نقد، ۴۰٪ اقساط ۱۲ماهه ۵٪ زمان تحویل ۵٪ تنظیم سند
۲	ساحل۱۳	مسکونی	۸۰۸	۳	شمال غرب	۱۷۱	۶۰۰،۶۰۰،۰۰۰	۱۰۲،۷۰۲،۶۰۰،۰۰۰	۵،۱۳۵،۱۳۰،۰۰۰		
۳	ساحل۱۳	مسکونی	۸۰۸	۳	جنوب	۱۶۰	۵۴۶،۰۰۰،۰۰۰	۸۷،۳۶۰،۰۰۰،۰۰۰	۴،۳۶۸،۰۰۰،۰۰۰		
۴	ساحل۱۳	مسکونی	۸۰۸	۴	شمال شرق	۱۸۱	۶۳۰،۰۰۰،۰۰۰	۱۱۴،۰۳۰،۰۰۰،۰۰۰	۵،۷۰۱،۵۰۰،۰۰۰		
۵	ساحل۱۳	مسکونی	۸۰۸	۴	شمال غرب	۱۷۱	۶۳۰،۰۰۰،۰۰۰	۱۰۷،۷۳۰،۰۰۰،۰۰۰	۵،۳۸۶،۵۰۰،۰۰۰		
۶	ساحل۱۳	مسکونی	۸۰۸	۴	جنوب	۱۶۰	۵۷۳،۳۰۰،۰۰۰	۹۱،۷۲۸،۰۰۰،۰۰۰	۴،۵۸۶،۴۰۰،۰۰۰		
۷	ساحل۱۳	مسکونی	۸۰۸	۵	شمال شرق	۱۸۱	۶۶۱،۵۰۰،۰۰۰	۱۱۹،۷۳۱،۵۰۰،۰۰۰	۵،۹۸۶،۵۷۵،۰۰۰		
۸	ساحل۱۳	مسکونی	۸۰۸	۵	شمال غرب	۱۷۱	۶۶۱،۵۰۰،۰۰۰	۱۱۳،۱۱۶،۵۰۰،۰۰۰	۵،۶۵۵،۸۲۵،۰۰۰		
۹	ساحل۱۳	مسکونی	۸۰۸	۵	جنوب	۱۶۰	۶۰۱،۶۵۰،۰۰۰	۹۶،۲۶۴،۰۰۰،۰۰۰	۴،۸۱۳،۲۰۰،۰۰۰		

جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۸۸۵۷۱۷۳۰ تماس حاصل نمایید.

همشهری را در شبکه‌های اجتماعی دنبال کنید
telegram @hamshahrinews
instagram hamshahrinewspaper
twitter @hamshahrinews